أعوذ باللَه من الشيطان الرجيم‌

بسم اللَه الرحمن الرحيم‌

 ... دوستان و اظهار لطف آنها را اجابت كردیم، یك چند كلمه‌ای خدمت دوستان عرض می‌شود راجع به خصوصیت دیروز و به مناسب مبعث پیغمبر اكرم صلّ اللَه علیه و آله و سلّم و این كه حال كه خداوند توفیق زیارت فرزند آن حضرت علی بن موسی الرضا علیهم السلام عنایت كرده و طبق روایات مسلّمه زیارت علی بن موسی الرضا ثواب هزار حج و عمره را دارد و بیشتر، برحسب مراتب معرفت و شناختی كه انسان نسبت به امام رضا علیه السلام دارد.

 دیروز عصر داشتیم به حرم مشرف می‌شدیم یكی از دوستان كه همراه ما بود گفت كه آقا حالا كه توفیق زیارت آن حضرت نصیب شده ما چه بخواهیم از حضرت چه درخواستی كنیم؟ گفتم: مگر شما از حضرت بالاتر سراغ داری؟ از خود امام رضا بر دنیا و آخرت اگر چیزی [بالاتر] هست او را بخواهید. هر چه فكر كرد گفت: نه ما دنیا و آخرت مان امام رضا است دیگر، از امام رضا دیگر چیزی بالاتر نداریم. گفتم: پس امام رضا را بخواهید، حالا كه حضرت در كنار دریای بی‌كران نشسته و می‌بخشد چرا آدم كم بخواهد؟ این از نادانی انسان است.

 پیغمبر اكرم كه و عجیب این جا است كه راجع به زیارت امام رضا علیه السلام تعبیراتی هست كه حتی راجع به زیارت سیدالشهدا آن تعبیرات نیست و این را ما مانده‌ایم در آن كه جهت چیست؟ كه خلاصه این همه راجع به زیارت امام حسین علیه السلام هست و چه هست و چه هست و [مثلا] در شب جمعه اگر خداوند قسمت كرده كه باز هم [قسمت كند] و اگر قسمت نكرده انشاءاللَه خدا قسمت همه شیعیان آن حضرت بكند زیارت امام حسین علیه السلام فرق نمی‌كند [در] روز، شب، همه هفته ولی راجع به خصوص شب جمعه از همه‌عراق و از همه جا برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام در شب جمعه می‌آیند به خاطر یك روایتی كه از پیغمبر اكرم هست كه كسی كه در شب جمعه زیارت سیدالشهدا را بكند ملائكه اوراقی را در آن شب برای زائرین سیدالشهدا تقسیم می‌كنند كه در آن اوراق برائت از نار و دخول در بهشت نوشته شده است لذا خیلی می‌آیند اصلا جای سوزن انداختن نیست در شب جمعه زیارت سیدالشهدا علیه السلام. عرض كردم همه وقت فرقی نمی‌كند زیارت زیارت است دیگر، حالا شب جمعه‌اش یك خصوصیت دیگری دارد اما در عین حال حتی بعضی از بزرگان در زمان گذشته زیارت سیدالشهدا را برای كسانی كه مستطیع هستند چهار سال یك مرتبه واجب می‌دانستند با این كه مكه و حج یك مرتبه واجب است ولی اهمیت آن این قدر زیاد است. خب اینها قابل توجیه است و هیچ اشكالی هم ندارد حالا شخصی فتوایش به این نحو باشد.

 ولی صحبت در این است كه زیارت علی بن موسی الرضا در لسان ائمه و در لسان پیغمبر یك تعبیرهایی شده به یك تعبیرهایی كه ارجحیت بر زیارت سیدالشهدا را از آن استنباط [استفاده‌] می‌شود و این ... ما ماندیم كه این چه جهتی هست كه می‌تواند این را داشته باشد؟ علی كل حال مرحوم آقا می‌فرمودند: برای سالكین راه خدا علی بن موسی الرضا چیز دیگری است. این را من یك سرّی بود فاش كردم و باید دیگر حالا كه توفیق به دست آمده قدر بدانیم.

 علی كل حال روایتی را از پیغمبر اكرم صل اللَه علیه و آله و سلم عرض می‌كنیم كه حضرت فرمودند فرمودند: بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ‌[[1]](#footnote-1) من مبعوث شدم كه مكارم اخلاق را تمام كنم: یعنی رسیدن به بالاترین مرتبه ارزشها و رسیدن به عالی‌ترین مرتبه‌ارزش‌ها و حقایق ارزشمند توحیدی و رسیدن به عالی‌ترین ... و بالاترین نقطه‌صعود و فعلیت استعدادها.

 این استعدادها بخواهد به فعلیت برسد ما به این مسأله مبعوث شدیم، ما را می‌گویند امت پیغمبر، امت یعنی جایگاه. چرا به زن در عربی می‌گویند امّ؟ چون امّ جایگاه است، مرد امّ نیست. زن جایگاهی است كه طفل را در درون خود پرورش می‌دهد و طفل از او متولد می‌شود، جنین به صورت طفل درمی‌آید و زن او را در رحم خود پرورش می‌دهد، بزرگ می‌كند و به مرتبه كمال كه رسید خب ... این را می‌گویند امّ.

 ما را می‌گویند امّت. امّت یعنی شخصی كه جایگاه است، ما چه جایگاهی داریم؟ امت پیغمبر یعنی كسانی كه پیغمبر را در درون خودشان دارند پرورش می‌دهند و نگه می‌دارند. حالا واقعا ما این طور هستیم؟ امت پیغمبر یعنی اگر افرادی از بیرون بیایند بخواهند پیغمبر را بشناسند نگاه به ما می‌كنند و از دریچه ما پیغمبر را می‌شناسند. حالا متوجه شدید این چه لفظی است و چه معنایی دارد و چقدر ما نسبت به این لفظ فاصله داریم؟ ان شاءاللَه من خودم را عرض می‌كنم ما واقعا فاصله داریم.

 امت عیسی یعنی افرادی كه حضرت عیسی را در درون خودشان پرورش می‌دهند. اگر ما بخواهیم ببینیم حضرت عیسی كه بود، چه حالاتی داشت و چه كمالاتی داشت باید نگاه به این رهبان‌ها و مسیحیان بكنیم البته واقعی‌شان نه اینهایی كه ... خب الان همه چیز تغییر كرده. امت موسی همین طور امت عیسی همین طور.

 امت پیغمبر معنایش این است كه افراد متّصف بشوند به صفاتی كه اگر شخصی از غیر مسلمان‌ها باشد بیاید و نگاه بكند به انسان شهادت بر توحید و شهادت بر رسالت پیغمبر بدهد، نه این كه بیاید ببیند اگر اسلام این است ما اسلام را كنار می‌گذاریم، التفات كردید؟ نه این كه بیاید ببیند كه جامعه‌مسلمان‌ها

 كه [به آنها] امت پیغمبر می‌گویند نگاه‌شان كنید ببینید با چه وضعی هستند، ارتباطاتشان چطور است، معاملات ایشان چطور است، داد و ستد ایشان چطور است، كارهای داخلی و خارجی ایشان چطور است! ما را امت می‌گویند درست شد؟

 حالا وقتی كه معنای امت را ما متوجه شدیم آن كلام رسول خدا كه می‌فرماید: بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ برای ما روشن می‌شود كه رسالت پیغمبر رسالت تكمیلی بود، رسالت اكمال بود، آن رسالت رسالتی بود كه افراد را به كمال برساند. صحبت ما با رسول خدا این است آیا شما مطالبی را كه فرمودید و آن مطالب الان در كتاب‌ها نوشته شده و به عنوان سنّت شما، به عنوان سیره شما و به عنوان نحوه عملكرد یك انسان به افراد در خانواده و در اجتماع و مسائل شخصی و مسائل كلی؛ دستوراتی كه شما دادید، آیا آنها شوخی بوده یا جدی؟ اگر شوخی بوده كه دیگر پس قضیه مشخص است و هیهات این كه ساحت مقدس آن حضرت از این مسائل بری و منزه است؛ و اگر جدّی بوده است از كسی كه به سیره آن حضرت عمل كند به آن مكارم اخلاق خواهد رسید، این مسأله است. یعنی وقتی كه ما می‌بینیم رسول خدا فرمود باید این طور بود باید آن طور بود، زن باید این طور باشد مرد باید آن طور باشد، آن وظایفش این است او وظایفش این است، نحوه عبادت نحوه‌برخورد نحوه‌مسائل اینها بایست این طور باشد. اینها جهاتی است كه رسول خدا روی آن جهات تكیه كرده و این كه ایشان فرمود: بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ اگر طبق دستوراتش ما [به آن مكارم‌] نمی‌رسیدیم و نیاز بود به مسائلی دیگر كه در اختیار ما نبود خب چرا پیغمبر این حرف را زد؟ این به چه درد ما می‌خورد؟ مثل این كه پیغمبر بیاید بفرماید خداوند به من عقل اول و آخر را دادند؛ خب به من چه مربوط است؟ خداوند به شما عقل اول و آخر را داده است چه نفعی برای من دارد؟ [یا مثلا] خداوند به من قدرت داده است كه كوه ها را جای خود تكان بدهم؛ خب به من چه ارتباطی دارد؟ خداوند به شما قدرت داده. [یا مثلا] خدوند به من قدرت داده كه با ملائكه و اینها صحبت كنم و همه عرش و فرش در اختیار و تسلط و احاطه و ولایت من باشد، خب هست برای من كه نیستَ؛ گفتن این حرفها یعنی چه؟ مطرح كردن این مسائل چه فایده‌ای دارد؟ چه اثراتی بر این مترتب است؟ پیغمبر در ارتباط با مردم جوری باید صحبت كند كه بر آن مطالبش اثرات مترتب باشد برای مخاطبین، مشافهین و برای آن افرادی كه بعدا می‌آیند و می‌خواهند از آن مسائل استفاده كنند. بله؟

 لذا قرآن كتابی است كه از پیغمبر باقی مانده و برخلاف آن عده از افراد جاهل و نادان نسبت به مضامین قرآن، قرآن برای تك تك ما است تا روز قیامت. قرآن این نیست كه برای پیغمبر نازل شده است و بعد ما [بگوییم:]" حالا دیگر گفتند بخوان دیگر"،" حالا دیگر ما كه مشافهین بالخطاب نیستیم ما

 كه افرادی كه مخاطب باشیم نیستیم، این قرآنی كه ما می‌خوانیم فقط یك تبركی است كه كلام وحی [است‌] از روزنامه بهتر است بله از كتاب‌های قصه و امیر ارسلان بهتر است" نخیر! قرآن كتابی است كه برای من نازل شده است بخصوصِ من و قرآن كتابی است كه برای تك تك شما كه می‌شنوید نازل شده است به خصوصِ شما؛ چون قرآن كتابی است كه بنده را با عالم هستی ربط می‌دهد، بین انسان و بین مدارجی كه باید طی كند ارتباط برقرار می‌كند. بعضی می‌گویند در آیات قرآن یك آیاتی هست كه مال پیغمبر است مال ما نیست. البته بعضی از آیات هست كه این آیات مربوط به پیغمبر برای شرایط خاص پیغمبر است كه خب مسائل شرعی و بعضی از قضایا و این‌ها اما نه این كه او هم به ما مربوط نباشد یك اثری، یك نصیحتی، یك مطلب نهفته‌ای و سرّی مربوط به ما است اگر مربوط به پیغمبر بود چرا پیغمبر این را نوشت و به همه مردم گفت؟ دیگر در كاغذ برای خودش می‌گذاشت در طاقچه برای خودش دیگر چرا به صورت قرآن در دسترس همه قرار داد؟ این حرف‌ها هیچ صحیح نیست. قرآن كتابی است كه آن كیفیت ارتباط انسان را با عالم وجود تعیین می‌كند و می‌گوید تو همین بدن نیستی كه با حول و حوش خودت یك ارتباط فیزیكی داری، تو با تمام مراتب ظاهر و صورت و معنا و مثال و بالاتر آن حقیقت و سرّی كه حتی از معنا بالاتر است، با عالم وجود مرتبط هستی. برای روشن شدن این سلسله مراتب قرآن آمده پس قرآن برای تك تك ما آمده و تك تك ما از این آیات استفاده می‌كنیم و خود را با این آیات تطبیق می‌دهیم و برای صعود به مرحله بالاتر از آیات مدد می‌گیریم، این می‌شود مكارم اخلاق.

 پس پیغمبر كه آمدند و صحبت كردند و فرمودند: بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ كلام پیغمبر این است كه كسی كه به دستورالعمل ما و به مطالبی كه ما می‌گوییم عمل كند به آن چه را كه من به او مبعوث شدم خواهد رسید یعنی به آخرین مرتبه از مكارم اخلاق و این مسأله را ما شوخی نباید بگیریم مسأله را باید جدی بگیریم و انشاءاللَه به حول و قوه الهی با توسل به مقام ولایت حضرت بقیة اللَه ارواحنا فداه و توسل به ذیل عنایات امام علی بن موسی الرضا علیه السلام كه خداوند این نعمت را به ما ایرانی‌ها داده كه بتوانیم از ظاهر هم همان طوری كه از وجود باطنی و ولایی ائمه علیهم السلام كه خب امام حی كه وجود دارد، از نقطه‌نظر ظاهر هم خودمان را بتوانیم به آنها متصل كنیم خب علی بن موسی الرضا علیه السلام هم در اینجا هستند و در این جا مدفون هستند و باید از آن حضرت عاجزانه و ملتمسانه درخواست كنیم كه اولا همت و آن همیت و سعی كافی برای رسیدن به این مطالب را خودشان عنایت كنند و بعد موانع راه را از سر راه ما بردارند و در همه حال خودشان حافظ و نگهبان ما باشند و خطاهای ما را به بزرگواری خودشان مورد عفو قرار بدهند انشاءاللَه همه موفق باشید و با دست پر به‌

 اوطانتان همه برگردید و ما را هم فراموش نفرمایید.

 اللَهمَّ صلِّ عَلی محمَّد و آلِ مُحمَّد

1. بحار الانوار، ج ٦٨، ص ٣٨٢ [↑](#footnote-ref-1)